

اولیس، سفری شگفت در هزار توی آدمی

ام. اچ. ابرامز
ترجمه حمید ذاکری
M. H. Abrams
The Norton Anthology of English Literature

Blazes Boylan می‌اندیشیم. در هر فراز و فرود افکار او دیگر می‌شوند و خواننده قدم به قدم با گذشته، آینده، پیش‌بینی حوادث، انتظارات، و سرانجام با همه تاریخ زندگی او آشنا می‌شود. سرانجام بلوم و استیفن، که با چند دانشجوی پزشکی زیاد نوشیده حالش به هیچ‌وجه خوب نیست. بلوم - که پسرش را در کودکی از دست داده و به گونه‌ای سمبولیک استیفن جایگزین او شده است - نسبت به این دانشجوی پزشکی احساسی پدرا نه دارد و به همین سبب به سوی او جذب می‌شود. پس در نقش محافظ او را همراهی می‌کند و در ماجراهایی دانشجویانه با او می‌ماند. اوج کتاب زمانی فرا می‌رسد که استیفن، به علت افراط در نوشیدن و بلوم فرو پاشیده از خستگی و رنج، غرق در اوهامی غریب می‌شوند و وجدان ناآگاه و نیمه آگاهشان به غلیان در می‌آید و در جلوه‌ای عظیم و دراماتیک، با چنان کمال و صراحتی که در ادبیات جهان بی‌همتاست، همه شخصیت آنان آشکار می‌شود. بلوم سپس استیفن مدهوش را به خانه می‌برد و شام می‌دهد. وقتی استیفن خانه را ترک می‌کند، بلوم به بستر می‌رود و می‌خوابد - اکنون ساعت ۲ بامداد ۱۷ ژوئن است - در حالی که همسرش مولی Molly در بستر بیدار است و به مسائل جنسی و تجربه‌های خویش می‌اندیشد: مونولوگی طولانی و بی‌نظیر که کتاب با آن به پایان می‌رسد.

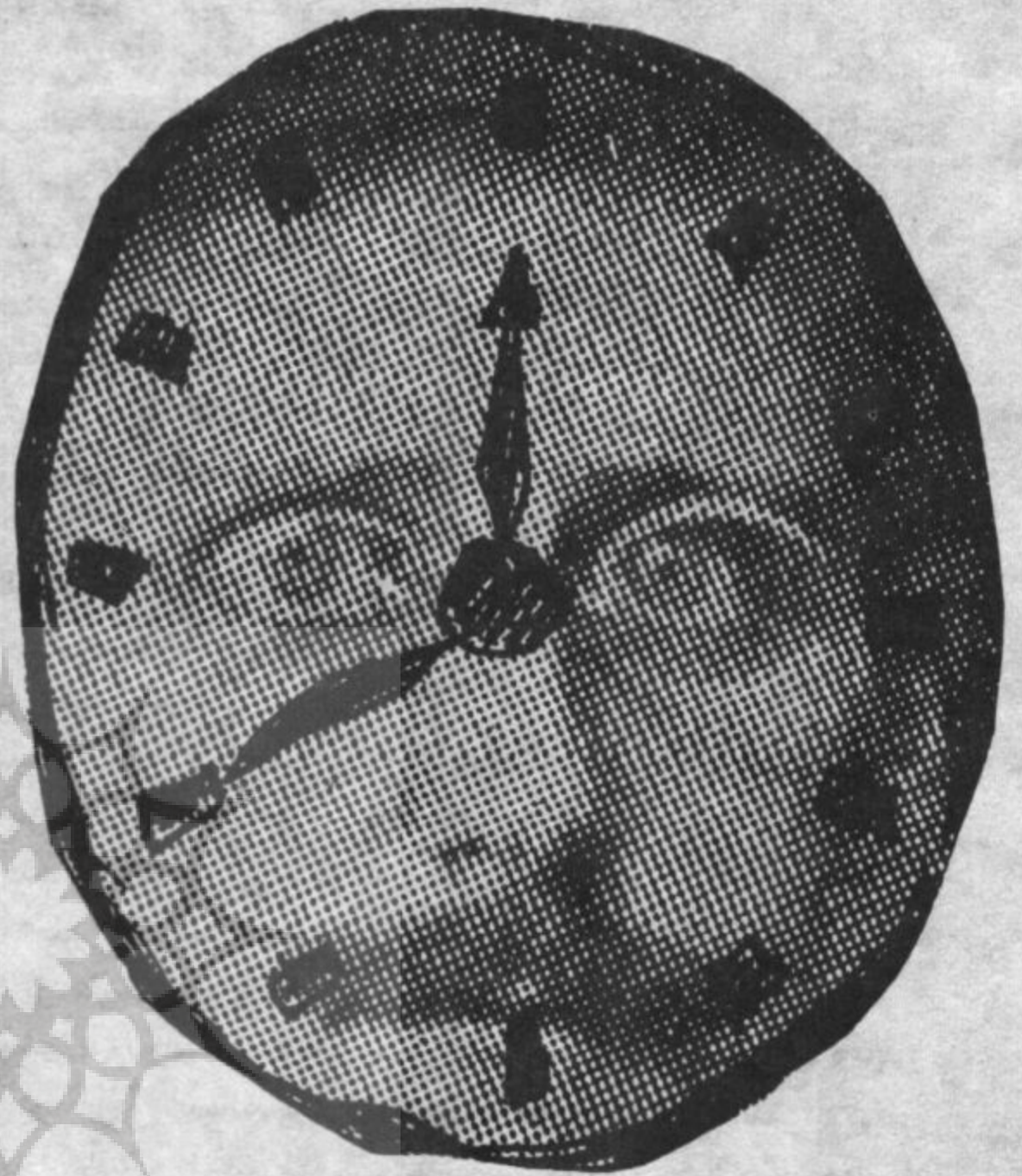
در سطح یک بیان رئالیستی، «اولیس» هویت زندگی در آغاز قرن بیستم را در دوبلین به خوبی نشان می‌دهد. در سطح یک کاوش روان‌شناسانه، «اولیس» شخصیت و خودآگاهی لئوپولد بلوم و - در سطحی پایتتر - استیفن ددالوس را به گونه‌ای عمیق و متحول به نمایش می‌گذارد. در سطح سبک «اولیس» دلکسترین استعداد زبانی را عرضه می‌دارد. در سطح عمیقتر سمبولیک، رمان به جستجوی تناقضات تنهایی و قابلیت معاشرت، و انس بشر می‌پردازد (بلوم هم یهودی است و هم اهل دوبلین، هم تبعیدی است و هم شهروند، هم غریب است و هم در وطن، همچنان که همه ما از جهتی هم غریبیم و هم در وطن) و روابط بین والدین و فرزند و مشکلات آنها را می‌کاود و نیز مشکلات و مسائل موجود بین نسلها و جنسها را موشکافی می‌کند. در همین حال، از طریق استفاده از تمهای هومر، دانته، و شکسپیر، از فلسفه ادبیات و تاریخ، کتاب طرحی موشکافانه و دقیق از ایهام و اشاره می‌یافتد که جنبه‌های گوناگون تجربه بشری را روشن می‌کند. هرچه بیشتر «اولیس» را بخوانی بیشتر در آن می‌یابی و جلوه‌های تازه‌ای از آن درک می‌کنی، اما در همان حال نیازی نیست که برای لذت بردن از هر دو جنبه

«اولیس» غوری است در زندگی یک روز مردم دوبلین در سال ۱۹۰۴: بدین گونه بیان وقایعی محدود است در زندگی مردمی محدود و در محیطی محدود. با این همه آرزوی بزرگ جویس - که صورت واقع دادن به آن هفت سال به طول انجامید - آن است که حیطة عمل خود را تا گستره جهانی همه تجربه‌های بشری بسط دهد. از این رو در سطح واحدی گفته نمی‌آیند. داستان به گونه‌ای عرضه می‌شود که عمق و مفاهیم اشارتی و ضمنی در آن به کمال می‌رسد و جزئیات به صورت نمادهایی از کنش و کردار بشر در جهان در می‌آیند. آشکارترین طرحها که جویس به خدمت می‌گیرد تا جلوه جهانی داستان خود را روشن سازد به موازات «اودیسه» هومر است: هر اپیزود «اولیس» با یکی از اپیزودهای «اودیسه» مطابقت دارد. جویس «اولیس» هومر را کاملترین مرد در ادبیات می‌نامد، مردی که همه جنبه‌های وجودی اش نشان داده شده است - هم ترسوست هم قهرمان، هم محتاط هم بی‌پروا، هم ضعیف هم قوی، هم شوهر هم عاشق، هم پدر هم پسر، هم والامرتبه هم سخیف - و بدین سان قهرمان کتاب خود لئوپولد بلوم را که یک یهودی ایرلندی است به هتیت اولیسی مدرن می‌آراید و این آرایه به او امکان می‌دهد که از لئوپولد مردی در هر جا و از دوبلین همه جهان را بسازد. لئوپولد می‌تواند در هر کجای جهان باشد و دوبلین می‌تواند در قالب هر شهری - و نیز در قالب همه کره خاکی - متجلی شود.

داستان در ساعت ۸ صبح ۱۶ ژوئن ۱۹۰۴ آغاز می‌شود. استیفن ددالوس (همان شخصیتی که در پرتره Portrait دیده‌ایم اما دو سال بعد از آخرین ملاقات ما با او) به دوبلین فراخوانده شده است، چرا که مادرش سخت مریض است و اکنون باباک مولیگان یک دانشجوی شاد و شنگول پزشکی و یک مرد انگلیسی به نام هینز، Haines در برجی قدیمی به سر می‌برد. در سه اپیزود اول «اولیس» که روی استیفن متمرکز است. او را هنرمندی کناره‌گیر و آستی ناپذیر می‌یابیم که همه نشانه‌های پیشرفت دنیای معمولی را طرد می‌کند. مردی ناکامل که بعداً در تقابل با لئوپولد بلوم کامل قرار می‌گیرد. «لئوپولدی» که بیش از حد «معمولی» و سازش‌پذیر است. پس از آشنایی با استیفن در کارهای صبح زود و آگاهی از جریانهای اصلی فکر او، وارد چهارمین اپیزود کتاب می‌شویم: خانه بلوم. از نزدیک همه فعالیت‌های او را تعقیب می‌کنیم: با او در مراسم تشییع جنازه شرکت می‌جویم، به محل کارش می‌رویم، با او نهار می‌خوریم، در خیابانهای دوبلین قدم می‌زنیم. و با او به بیوفایی همسرش و ارتباط او با بلیزز بولین

«هنر ادبی» و «احساس بشری» آن در مفاهیم سمبولیک کتاب غوطه بزنی و اندیشه کنی. در پیشانی کتاب، لئوپولد بلوم قرار دارد که از يك جهت بیگانه‌ای عقیم و آشفته است در جامعه‌ای که به آن تعلق دارد و ندارد و از جهت دیگر قهرمان مهربانی و عدالت است که حس بشر دوستانه او نسبت به اطرافیانش او را از پستی محض نجات می‌بخشد و به کتاب اساسی انسانی و مثبت می‌دهد.

خواننده‌ای که به سراغ «اولیس» می‌آید اگر انتظار داشته باشد با رمانی ویکتوریایی (قرن نوزدهمی) یا حتی کاری در سطح کارهای کنراد و لورنس روبه‌رو شود سخت در اشتباه است. او بی‌تردید از پیچیدگی کتاب یک‌ه خواهد خورد. جويس خود آگاهی کاراکترهای خود را مستقیماً نشان می‌دهد، بدون آنکه با شرح و توصیفی خواننده را نسبت به چگونگی آن آگاه سازد (این روشی است که آن را «جریان آگاهی» می‌نامیم) او ممکن است در يك پاراگراف بدون هیچ نشانه و علامت خاصی از توصیف يك حرکت کاراکتر خود - به عنوان مثال استیفن در حال قدم زدن در ساحل یا بلوم در حال ورود به رستوران - به فراخوانی پاسخ ذهنی کاراکتر به این حرکت بجهد. این پاسخ همیشه مضاعف است: بخشی از وضع فعلی کاراکتر ناشی می‌شود و بخشی دیگر از مجموعه شرایطی که تاریخ گذشته او در وی پدید آورده است. برای بیان این ترکیب، جويس هر جا که لازم باشد روش خود را تغییر می‌دهد. از سبك به سنگینی، از طنز به جد، از نرمی به سختی، یا از بیانی رئالیستی به مجموعه‌ای کنایی از ایماژهایی که خواننده را به آهنگ عمومی آگاهی کاراکترها رهنمون می‌شود. گذشته و آینده در بافت نثر به هم در می‌آمیزند، زیرا که در بافت آگاهی به هم در آمیخته‌اند. و این آمیختگی ممکن است با جناس، با پرش ناگهانی از سبکی به سبکی یا از موضوعی به موضوعی، یا با تمهیدات دیگری برای نگه داشتن خواننده به‌طور مداوم در راستای طبیعت اوج یابند. او فرو شونده و متلون آگاهی آدمی نشان داده شود. با کمی حوصله و تجربه، خواننده می‌آموزد که چگونه اشارات جويس را در تغییرات روش و محتوا دریابد. به «اولیس» نباید به صورت نوولی که به روش سنتی نوشته شده نزدیک شد. برای نزدیک شدن به کتاب باید همه پیش فرضها را کنار بگذاریم و دنبال نویسنده راه بیفتیم و خود را به او واگذاریم تا ما را هر جا که می‌خواهد ببرد و هرگز نیندیشیم که زبان به کار رفته در اینجا یا آنجا کتاب «غلط» است یا «درست»، بدین ترتیب شاید بتوانیم به دنیای عظیم جويس وارد شویم، دنیایی شگفت و پر رمز و راز. ■



پژوهشگاه علوم انسانی
رتال جامع علوم

